



**سرویس سیاسی** - علیرضا بهشتی: مردم احساس می کنند

مشکلات‌شان از طریق صندوق رای حل نمی‌شود
هر زمان که به ایام انتخابات نزدیک می‌شویم، بحث بر سر اینکه چه جناحی می‌تواند اکثریت را نصیب خود کند داغ می‌شود و اصولگر ایان و اصلاح‌طلبان می‌گویند که به‌نحای مختلف خود را در پیشگاه مردم ثابت کنند تا بتوانند از ایشان رأی کسب کنند. چنین حالتی دست‌کم از دوم خرداد تا همین انتخابات مقوله ادامه‌داشت و حتی در خلال سخت‌ترین مجادلات سیاسی مقوله انتخابات‌خاصه ریاست جمهوری برای مردم مهم‌انگاشته می‌شد اما گویا در این دوره وضعیت قدری متفاوت است و فارغ از اینکه چه جناحی با چه در صدی فاتح انتخابات می‌شود، انکار باید به بررسی علل سر‌بودن فضایی انتخابات‌پهرازیم

اینکه آیا عوامل اقتصادی و بحران معیشت مردم را از کشتگری سیاسی دور کرده‌است یا مردم تصور می‌کنند اصلاح وضع موجود لزوماً با روی کار آمدن کارگزارانی تازه محقق نمی‌شود؟ از طریق بدنه‌اصولی اجتماعی که معمولاًسبد رأی اصلاح‌طلبان را تشکیل می‌داندوی می‌توانستند نتیجه‌انتخابات‌رایه‌نفع این جبهه سیاسی رقم بزنند، چرا اکنون و بعد از ۲۲ سال از دوم خرداد سال ۷۶ اصلاح‌طلبان را مانند سابقان نمایندگدان خود نمی‌دانند؟ چه عواملی در کاهش سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان موثر بود؟ آیا به‌دلیل گسترش فقر، طبقه‌متوسط (مخمس‌گانه‌اصولی اصلاح‌طلبان) شکل سابق خود را از دست داده‌است یا نیز وهای اصلاح‌طلب به‌دلیل نگاه سیاست‌محورشان از جامعه خود غافل شده‌اند؟ برای بررسی همه این موضوعات و البته پیش از اینها با «علیرضا بهشتی»، استنادگاه‌و تحلیلگر مسائل سیاسی، گفت‌وگو می‌انجام‌شده‌است که در ادامه می‌خوانید.

**یکی از مؤلفه‌های نظام جمهوری اسلامی همان‌طور که از نامش برمی‌آید، اصل جمهوری است که با تسامح، بیشترین آزادی و نمودش در امر انتخابات دیده می‌شود. آیا جمهوری اسلامی بدون جمهوری‌یت قابل تصور است؟**

جمهوریت نشانه‌منشا اقتدار و بلکه مشروعیت نظام جمهوری اسلامی است. اصرار مسئولان نظام بر اینکه حتی اگر ناظم و بلکه حتی رهبری نویفتنستید در انتخابات شرکت کنید، علتی جز این نمی‌تواند داشته‌باشد. اینکه مشروطیت را از آن مقبولیت تفکیک کنیم‌واولی‌را بااسلامیت و دومی‌را به‌جمهوریت مرتبط کنیم هم در عمل و نتیجه‌نهایی تفاوتی ایجاد نمی‌کند. مسئولان نظام می‌دانند که تنها قوت آنها در عرصه سیاست بین‌المللی، مستوانه مردمی است. از همین‌طور است که امنیت کشور به نظر مسئله‌انتخابات قابل‌گرخوردن است. در وهله نخست به نظر می‌رسد مسئولان درباره تکلیفی حرف می‌زنند که در نظام‌های مردم‌سالاری بر دوش هر شهروند سنگینی می‌کند اما آن‌چاکه در قبال هر تکلیف و مسئولیتی، حقوقی که مطرح است و سخن از تکالیف شهروندی بدون احترام به حقوق شهروندان به‌محان میزان نادرست‌است که سخن از حقوق شهروندی بدون تکالیفی که مدنظر آن حقوق ایجاد می‌شود، این حرف درست تکالیفی بر دوش حاکمیت هسم می‌گذارد که بی‌توجهی به آنها، موازنه میان حکومت مردم را بر هم می‌زند. به بیانی ساده‌تر، اگر مردم نسبت به انتخابات بی‌تفاوت شوند، این بار هم مثل همیشه، مردم مقصر خواهند بود، مثل وضعیت نابسامان منابع آبی کشور که تفرش کردن مصرف‌کنندگان خانگی می‌افتد، مثل آلودگی هوای شهرهای بزرگ که رانندگان خودروهای داخلی باعث بائی آن هستند...درحالی‌که در منظرمه حق و تکلیف، آن‌که قدرت بیشتری دارد، وزن مسئولیتش سنگین‌تر است. مرحوم دکتر محمد مصدق در فزای به‌دادماندنی، به رابطه میان مردم، حکومت، استقلال و امنیت کشور اشاره می‌کند که اگر اجازه بدهید عیناً از روی متن بخوانیم، از قدیم گفته‌اند حرمت امام‌زاده با متولی است. اگر پادشاهی رأی ملت خود را به هیچ‌شمرد، چگونه‌می‌توان انتظار داشت که دول‌بیگانه‌ان را به هیچ‌شمرند و به‌مملکت تجاوز نکنند؟» و بعد اضافه می‌کند: «رئیس هر مملکت باید افکار عموم را محترم بشمارد تا بتواند منافع ملت را در مقابل بیگانگان حفظ نماید و انتخاب رویه‌ای غیر از این، سبب می‌شود که پادشاه به یکی از دول بیگانه سر سپارد تا بتواند بر یک ملت مرده سلطنت نماید. به بیانی دیگر، نادیده گرفتن رأی مردم، موجب دست‌رفتن امنیت و استقلال کشور و سلطه مستقیم یا غیرمستقیم بیگانگان بر کشور می‌شود. مصدق از یک اصل عام سخن می‌گوید اما در روزگار مصدق، افکار عمومی را می‌شد با کمک هدایت تبلیغات رسمی از یک طرف و حکومت سرکوب و سانسور از سوی دیگر فریب داد. امر وه‌زاین کار بسیار دشوارتر شده‌است. بارها عرض کرده‌ام که فارغ از ارزش گذاری برای وسایلی از تباطوی نوبن یا نقد استفاده‌های نادرست از آنها، سیاست‌مداران معاصر باید به عمق ماهیت و کارکرد انقلاب از تباطاتی و ماهیت دوران پس‌انقلاب‌سار تباطوی پیر‌ندور فتراه‌های خودشان را به‌روز کنند. شهروند معاصر بانددی تلاش و پیگیری می‌تواند بیهود که آیا انتخابات در نظام سیاسی که در آن زندگی می‌کند، واقعا انتخابات است یا صرفاً نمایشی از انتخابات است. مردم‌سالاری، از هر نوعی که باشد، تعریفی کائونی دارد. به نظر به‌عنوان مردم‌سالار گفته‌می‌شود که تصمیماتی که به‌سر نوشت نظام‌های فرد یا عضوی از جامعه مربوط می‌شود، مورد قبول همه یا اکثریت شهروندان، ضمن حفظ حقوق اقلیت، باشد. اگر انتخابات از شرایطش ساقط شود؛ یعنی اگر انتخابات رقابتی، منصفانه، آزادانه و شفاف نباشد، شهروند امروز می‌فهمد که از انتخابات‌پوسته‌ای پیش‌باقی‌نمانده‌است و اگر شهروند بنیادری

جامه‌عمل پوشانده‌اند؟ باید رابطه پامخ‌گویی میان‌انتخاب‌شونده و انتخاب‌کننده را جایگزین مناقشات و سهم خواهی‌های میان جناح‌های سیاسی کرد. از این آب گل آلود فقط عوام‌فریبان بهره خواهند برد. نکته طلایی این است که اول باید تلاش کرد صندوق رأی معنا و جایگاه خود را پیدا کند، بعد برای ورود با عدم ورود به انتخابات تصمیم گرفت.

**آقای بهشتی اصلاح‌اعتماد عمومی در سیاست به چه معنی است و راه‌احیای آن چیست؟**

اعتماد عمومی در سیاست از اعتماد عمومی در عرصه‌های دیگر جدا نیست. اعتماد عمومی یعنی اگر من شهروند به‌راستی ولی نعمتم و کارگزاران حکومت به‌راستی خدمتگزاران من هستند، اگر کارگزاران حکومت و کیل من موکل هستند، نباید نام‌حرم شمرده بشوم. اعتماد، سرمایه‌ای است که دیر به‌دست می‌آید و زود از دست می‌رود. یک کاسب در بازار باید سال‌ها و نسل‌ها تلاش کند تا اعتبار و اعتماد کسب کند و کافی است یک یادو حرکت نادرست انجام دهد و همه آن سرمایه اجتماعی را از دست بدهد. اعتماد یعنی «درع معنی‌ع» و احیای آن هم جز با اظهار ندامت و توبه نصوح، عذرخواهی صادقانه، پذیرش مسئولیت در قبال اعمال و صداقت پیشه‌کردن از سوی صاحبان قدرت سیاسی اقتصادی و اجتماع‌باهر عنوانی که باشند، نام‌مکن است. اگر من تصمیمی گرفته‌ام یا در کاری مداخله کردم، به‌طور یکسان پای نتایج خوب یا بد آن بایستم. در نظام‌های سیاسی که جامعه‌ممنعی به‌واسطه‌خالت‌های گسترده سیستم سیاسی نحیف است، کاهش اعتماد عمومی مردم و حاکمان، به‌کاهش اعتماد افقی بین خودشان هم می‌انجامد و این یعنی فر پاشی اجتماعی. اعتماد یعنی به‌یک‌دیگر تکیه‌دادن. صاحبان‌قدرت در نظام سیاسی باید اثبات کنند قابل تکیه هستند اما این فقط به‌دولتمردان منحصر نمی‌شود. اگر روحانی هستیم، مردم ببینند که خلوت و جلوت‌منزاد یکسان‌است. اگر معلم هستیم، دانش‌آموزان ببینند که دانش‌افزایی آنان از همه چیز برام مهم‌تر است. اگر استاد دانشگاه هستیم، در دام بازی سخیف جمع‌آوری امتیازات به هر قیمت نیتم و نکات علمم را سخاوتمندانه به‌ره‌نانشجو و هم‌کارم بپردازم. اگر کاسب هستم، در معامله‌غل و غش نکشم. و روزی را از خدای روزی‌دهنده‌ها هم نه از ترازی نمایزان. اگر کارمند هستم کار ارباب رجوع را کار خودم بدانم و حقوق‌ناچیزم مرابه طمع شریینی بپول چایی نیندازد. بدون اعتماد، قانون‌هم، تمهائلی از عهد‌ساماندهی جامعه بر نخواهد آمد. بدون اعتماد، شغل و شغل نکشم. و روزی را از خدای روزی‌دهوری که فرو می‌ریزد، بر سر همه آوار خواهد شد.

**این روزها بحث اقتصاد به مهم‌ترین دغدغه مردم تبدیل شده‌است. بی‌توجهی نسبی مردم به مقوله سیاست جقدر ناشی از وضعیت اقتصادی کنونی است؟**
طبیعی‌است که این‌طور باشد. در هر مملو، نیازهای اولیه در اولویت قرار دارند. منتها مردمی که غافل از این باشند که تأمین نیازهای اولیه شهروندان و وظیفه دولت‌هاست، غافل از این باشند که برای بقا و بلکه از تقای زندگی و برآورد شدن نیازهای اولیه، ناخواه می‌وایند. باید به اعلم که مهم، حیاتی، بنیادین و جهان‌شمول «تعیین سر نوشت» خود بدهاید. همواره چشم‌امید به معجزات دارم. اما باید بدینم خودمان معجزه هستیم. بزرگ‌ترین معجزات عالم خلقت ماییم، چون اراده داریم. باید آن‌را به‌کار گیریم. هیچ‌کس از آن‌سوی دنیا، از آن‌سوی پرده غیب، از ناچکار قرار نیست به کمک مردمی بیاید که خودشان تحرک ندارند. ان‌الله لایغیر ما یقوم حتی‌و غیراً ما بانفسم. یک قانون‌منادی است. به‌فرض آن‌که حال اقتصاد کشور خوب شود و سوره مردم گشوده، اعتماد سیاسی ترمیم می‌شود؛ به‌بیان‌دیگر ارتباط رف

**تقلیل یافته‌است؟**
مشکل جناح‌های سیاسی کشور، اصولگر، اصلاح‌طلب یا هر جناح دسته‌و حزب دیگر این است‌که حیات سیاسی‌شان به ایستگاه‌های انتخاباتی منحصر شده‌است. بحران هویت، بی‌برنامگی و مدیریت هبتی در همه احزاب سیاسی مشاهده می‌شود. ببینید امروز خبری خواندم مبنی بر اینکه اصلاح‌طلبان در حال تدوین برنامه‌شان برای اداره کشور هستند. یعنی کمتر از دو ماه‌به انتخابات مانده و هنوز برنامه‌ای ارائه نشده‌است. اصولگرایان که ظاهرا همین اندازه هم تلاش نکرده‌اند. می‌دانید این یعنی چه؟ یا یعنی «شهر سردی که ایه ما رأی دهید، اگر رأی آوردیم بعداً خواهیم گفت که چه کار می‌خواهیم بکنیم». برنامه‌هایی از این دست باید ماه‌ها قبل منتشر و در عرصه عمومی در معرض نقد و ارزیابی و گفت‌وگو قرار گرفته‌باشند. تحکیم‌نهاد انتخابات یعنی اگر در سال‌های اول پس از پیروزی انقلاب از مردم خواسته می‌شد به «افراد» احزاب» مورد اعتمادشان رأی بدهند، چون هنوز تمرین موثر کراسی نداشتند، تازه از یک حکومت استبدادی با انتخابات‌های فرامیوشی و نمایشی‌اش خلاص شده بودند، امروز باید به «برنامه‌های افراد و احزاب رأی بدهند تا مناسبات رأی‌دهندگان و مسئولین به رابطه پامخ‌گویی» تبدیل شود. آیا جناح‌های سیاسی ما در این جهت حرکت کردند؟ هنوز دعوت می‌کنیم به انتخاب میان بد و بدتر و بدتر و بدترین؟ و هنوز هم به‌دنبال تحریک احساسات هستیم؟

**در سال‌های اخیر با توجه به انتقادهایی که به دولت وجود داشت، خواه‌در حوزه اقتصادی، بسیاری از مردم محور انتقاد را به سمت اصلاح‌طلبان بردند که از چه اصلاح‌احات از روحانی حمایت‌نمی‌کرد، او اکنون رئیس‌جمهور نبود. جدای از چند و چون این بحث که چندر صرفاً دولت باید مورد نقد باشد، آیا تصمیم اصلاح‌طلبان در سال‌های ۹۲ و ۹۶ باعث ریزش سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان شد؟**
واقعیت این است‌که همان خط‌مشی نادرست و بی‌فرجامی که در پاسخ به پرسش قبلی به آن اشاره‌شد، اصلاح‌طلبان را مجبور به حمایت از آقای روحانی کرد. آقای روحانی تا تابولی اصلاح‌طلبی به میدان مبارزه انتخاباتی نیامد. در طول حیات سیاسی‌اش هیچ‌زمانی ادعای اصلاح‌طلبی هم نداشتند. ما به‌همه احترام و ارزشی که برای آقای خاتمی قائل هستیم، باید عرض کنم تمسک به تاکتیک «تکرار» نه منبای هویتی معینی داشت، نه پشتوانه برنامه‌ای مشخصی داشت و نه‌جز کاهش سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان، سود دیگری در برداشت. این سخن که اصلاح‌طلبان چه بخواهند چه نخواهند کارنامه دولت آقای روحانی به حساب‌شان گذاشته می‌شود، منعکس‌کننده یک واقعیت است. منتها من اشتباه را بیش از آن‌که اشتباهی تاکتیک‌ی بدانم، ناشی از خط‌مشی نادرستی می‌دانم که متأسفانه نهادها و اصلی اصلاح‌طلبان هنوز هم بر آن پافشاری می‌کنند. آقای روحانی حق دارد بپرسد من به کدام برنامه ارائه‌شده از طرف اصلاح‌طلبان متعهد شده‌بودم که انجام ندادام؟ البته مردم هم حق دارند از آقای روحانی بپرسند به کدام وعده انتخاباتی‌تان

## سیاسی

علیرضا بهشتی:

# مردم احساس می کنند مشکلات‌شان از طریق صندوق رای حل نمی‌شود

اقتصادی و اجتماعی و گزارش آن به‌عموم. این‌گونه کش‌های اجتماعی برنامه‌همیشگی کشتگر سیاسی است، چه‌در ساختار رسمی قدرت سیاسی حضور داشته‌باشند، چه نداشته‌باشند. اما سیاست‌ورزی حکومت‌محور اقتضایی است.

اگر شرایط مساعد باشد، اگر برنامه جایگزین و اعلام‌شده تشکیل سیاسی باقیال عمومی مواجه‌شود. اگر حضور در ارکان حکومت تحولی‌سازنده به دنبال داشته‌باشد، طبیعتاً زمان سیاست‌ورزی حکومت‌محور نیز فرامی‌رسد. اگر نه، کشتگر سیاسی به محاق نمی‌رود. تلاش برای بهبود وضعیت زندگی انسان‌ها تعظیم بردار نیست. اگر هیچ کاری از دستش بر نیاید، آگاهی بخشی را ادامه می‌دهد. تا شهروندان با چشم باز تصمیم بگیرند. لازم این کار، در میان مردم زسنت است، نه بر مردم نگرستن. برج‌عاج‌نشینی، از هر نوعی که باشد، کشتگر سیاسی را از هم‌زبانی با مردم باز می‌دارد. سیاست‌مدارانی که فضایی سیاست‌ورزی‌شان به جلسات و محافل محدود شده‌باشند، جایی در میان مردم ندارند. و کام نخست‌و مهم در این راه، به‌رسمت‌شناختن تنوع و تعداد‌الگوهای زیستی رایج در جامعه‌است. خاستگاه اجتماعی اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶، بخشی از قشر متوسط جامعه‌است که به واسطه سیاست‌های تبعیض‌آمیز، به‌قدر کم درآمد جدید تبدیل شده‌است. اینان نسبت به تبیین مطالبات خود و ابزار ابراز آن آشنا هستند و همه کسانی را در بر می‌گیرند که در یک چیز اشتراک دارند: همه متأثر از بی‌عدالتی شده‌اند، هر چند هر یک به نحوی و سبب‌های و در عرصه‌ای. عمده‌اصلاح‌طلبان نسبت به این وضعیت بی‌اعتنا و غر خ‌حتی‌بی‌خبرند. شمس‌اوقتی با چنین وضعیتی آشنا هستید و برای آن اهمیت قائل می‌شوید که خودتان، یا نزدیکانتان، است که آقای خاتمی در این قضیه‌صراحت‌لهجه‌بیشتری داشته‌باشند و از این سوء‌استفاده‌هایی که ممکن‌است از ناحیه‌امثال‌هم‌به ایشان‌راشود فاصله‌بگیرند. سیاست‌ورزی در عرصه‌مدینه‌نم‌شود. مهم این است که به‌جای هم‌آوازی با بایدگاه‌های کوتاه‌پیمانه رایج، واقعبت‌گریان را دریابند و آن را نادیده‌نیگارند. این خطای بزرگی بود که مر تکب شدند و در آبان‌ماه ۱۳۹۸ هم تکرار کردند. مهم این است که آن قدر از وضعیت گوشه‌و کنار جامعه‌ا‌کاباشند که در مواجهه با حوادثی مانند این‌ها، نه تنها غافلگیر نشوند، بلکه پیش‌بینی‌کنند و راه‌حل‌های عملی ارائه کنند. اگر بی‌می‌از انزوی سیاسی در میان‌باشد، باید از انزوی سیاسی در میان‌شهروندان و مردم کوچ‌و بازاربیم‌داشت، نه از کنار گذاشته‌شدن از سوی کانون‌های قدرت سیاسی رسمی. پیرو پرش پیشین اگر اصلاح‌طلبان باید به جامعه برگردند و گفت‌مان‌خود را بر زمین‌کنند و اگر گفت‌مانی ندارند، گفت‌مان‌سازی کنند، باید به کدام جامعه برگردند؟ جامعه اصلاح‌طلبان در متوسط هنوز شکلی پیشین‌خود را دارد و اصلاح‌طلبان را نمادینه‌سیاسی خود می‌دانند یا اصلاح‌طلبان باید در پی یک حمایت طبقه متوسط جدیدی باشند؟ یا حتی باید به‌طور جدی به طبقه فرودست که میزانش بسیار گسترده‌هم شده‌است، توجه کنند؟

ببینید، به‌این‌طور که بارها عرض کرده‌ام، مسئله‌اصلی بازگشت از «همه‌با من» به «همه‌با هم» است. مگر احزاب سیاسی نمایندگان طبقاتی معین از جامعه هستند؟ چیزی مثل احزابی که خود را به‌عنوان نماینده طبقه کارگر جا می‌زنند؟ یک جریان سیاسی، یک حزب، یک تشکل زمانی فراگیر می‌شود که بتواند مطالبات همه اقشار را نمایندگی کند و برای تحقق آن تلاش کند. زندگی لایغیر مایقوم حتی‌و غیراً ما بانفسم. یک قانون‌منادی است. به‌فرض آن‌که حال اقتصاد کشور خوب شود و سوره مردم گشوده، اعتماد سیاسی ترمیم می‌شود؛ به‌بیان‌دیگر ارتباط رف



همه‌ما، از هر فشری که باشیم، به یک‌دیگر وابسته و پیوسته‌است. مگر اصلاح‌طلبان بتوانند که زمانی شعار درست «ایران‌رای همه ایرانیان» مطرح کردند؟ صرف‌ظرف از اینکه در عمل چقدر به آن شعار پایبند بودند یا نه، تلاش برای تحقق عملی آن بااعترار نباید کنار گذاشت. باید جامعه‌ا‌ه‌به‌عنوان موجودیتی دارای تنوع و تعدد به‌رسمیت‌شناختن تک‌ب‌های مختلف زندگی الگوهای زیستی متنوع و متعدده‌ای است چهره واقعی اجتماعات امروزی.

**انتخابات‌سیاست در ایران را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟ به کدام سمت می‌رویم؟**

باید بپذیریم که در وضعیت خاص سیاسی هستیم که دامنه تعاشش به همه عرصه‌های زندگی خصوصی و عمومی کشیده شده‌است. واقعیت این‌که نه براندازی به معنی تلاش برای سقوط و رهاکردن مردم در موقعیت خلأ سیاسی، نه محافظه‌کاری و نه اصلاح‌طلبی به معنی متعارف آن‌را راه‌حل برون‌رفت از وضعیت کنونی نمی‌دانم. تغییر کارگزاران و جابه‌جایی مدیران دستگاه‌داره کشور راه به جایی نمی‌برد؛ مگر آن‌که تحولی بنیادین به وجود بیاید. همه‌ما باید به این تلاش‌نر بدنه‌اند، این هم داوطلبانه. برخی از سیاست‌مداران‌ما می‌توانند خاضعانه‌از وسط‌گود کنار بکشند و درحاشیه‌بنشینند؛ تجربیات خود را در اختیار کسانی قرار دهند

که عزم و اراده و آمادگی فکری و سازمانی لازم برای ایجاد چنین امر بنیادینی را دارند. با شعارهای خیره‌کننده‌ما و توالی وی‌نم‌ر، امیدهای راهی درست نکنیم. راه سخت است و ناهموار و باید همه‌با هم در آن قدم بگذاریم؛ همه‌آنها‌ی که قلب‌شان برای ایران و ایرانی می‌تپد. از عرشش به فرش بیاییم و خود را جزئی از جامعه ایرانی و قطره‌ای از اقیانوس جامعه جهانی بدانیم. اول باید نگرش‌هایمان را تغییر دهیم؛ این هم اصلاح‌طلب، چه اصولگر، چه هر بر چسب و عنوان دیگری که یک‌می‌کشیم. چشم‌انداز کنونی آینده، چشم‌انداز خوبی نیست. ما هم عزیز درانه خلقت نیستیم که گمان کنیم از قانون‌مدای‌های حاکم بر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها مستثنئ هستیم.

شنبه ۴ اردیبهشت ۱۴۰۰، ۱۱ رمضان ۱۴۴۲، ۲۴ آوریل ۲۰۲۱، شماره ۳۷۱۷، صفحه ۳

### اخبار ویژه ...

### کاندیداتوری تاج زاده

غلامحسین کرباسچی درباره احتمال کاندیداتوری سیدمصطفی تاج‌زاده برای شرکت در سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و نظر رسانه منتسب به کارگزاران در خصوص احتمال شکاف بین اصلاح‌طلبان، گفت: این که حضور ایشان باعث شکاف اصلاحات می‌شود باید جمع جبهه اصلاحات آن را بررسی کنند. دبیر کل حزب کارگزاران سازندگی خاطر نشان کرد: من باصل اعلام کاندیداتوری فردی مخالف نیستم، مخصوصاً ایشان که یک‌نظم صحبت‌های داشته‌اند و بعضی از دوستان هم به آن اشکال وارد کرده‌اند. به‌سرمی‌خوب‌است اگر وزارت کشور و شورای نگهبان ایشان را تایید کنند و فکر می‌کنم این امر امتحان خوبی است که مشاهده کنیم مردم این نوع لحن و گفتار را انتخاب می‌کنند یا خیر.

### فحش می‌دهند

حسن روحانی گفت: ما همان‌شاگرد ماهر‌ی هستیم که در مسابقه بردیم. اما الان دست و پای ما راستند و الان شعار می‌دهند، ولی یک کلمه علیه آمریک‌ا‌حرف نمی‌زنند. به‌ظاهر خودشان را انقلابی و سوبر انقلابی می‌دانند و کارشان فقط فحش و دروغ علیه دولت شده و به‌جای آمریک‌ا‌به دولت فحش می‌دهند. در واکسن کسانی که می‌گویند چرا تاخیر شد، اگر تحریم نبود سه‌میه‌ما سفند وارد شده بود و الان میلیون‌ها نفر واکسنه شده بودند، خوب نشد. تحریم بردیم و برای انتقال پول صدها کار انجام دادیم و فراز و نشیب‌های زیادی را طی کردیم تا پول را تأمین و پرداخت کنیم.

### فرزند خوانده

محمد عطریانفر عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران گفت: ایرادی که به جریان اصولگر‌امینی براینکه برخی حسن‌فرزندخواندگی خدا را ندانند، وارد بود همان ایراد رایه بعضی از دوستانمان در ارتباط با آقای خاتمی هم وارد می‌دانیم. برخی احساس می‌کنند نسبت به ایشان‌فرزند خوانده‌تر هستند. این ایراد وجود دارد و مصداق آن دوستان اتحادی هستند ولی شخص آقای خاتمی اینگونه فکر نمی‌کند. البته ممکن‌است یک اتفاقاتی رخ دهد و حتی بر آقای خاتمی تحمیل شود؛ البته انتظار ما این است که آقای خاتمی‌گاهی در این قضیه‌صراحت‌لهجه‌بیشتری داشته‌باشند و از این سوء‌استفاده‌هایی که ممکن‌است از ناحیه‌امثال‌هم‌به ایشان‌راشود فاصله‌بگیرند.

### واکسن فایزر

محسن علیزاده، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با بیان این که اگر قرار باشد بخش خصوصی از سهمیه اختصاص داده شده به کشور، ما واکسن کرونا را وارد کند و آن را نیز با دریافت هزینه و پول به مردم تزریق کنند، تخلف است، گفت: واکسن فایزر در بازار سیاه فروخته می‌شود؛ و ادامه داد: الان واکسن کرونا‌ی فایزر که از سوی مقام معظم رهبری واردات آن به کشور منع شده بود، در برخی از خیابان‌ها و بازار سیاه دارو به قیمت ده میلیون تومان در کشور به فروش می‌رسد!

### آخر بازی می‌شمرند

حسام‌الدین آشتاد در حساب‌ کاربری‌اش در توئیتر به برنامه جدید صدا و سیما علیه دولت و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای واکنش نشان داد و نوشت: «اعتدال بی‌طرفی در نبرد حق و باطل نیست چرا که حق عین عدل است و باطل چیزی جر افراط و تفریط نیست به حق نیست، جوجه‌های نغوفی را آخر بازی می‌شمارند. لطفاً منبع مطلع را مطلع بفرمایید.»

### عفو تکذیب شد

یک منبع آگاه در قوه قضائیه از تمدید مرخصی آقایان بقایب و رحیم مشایی به دلیل ادامه‌داشتن روند در مان خبر داد. یک منبع آگاه در قوه قضائیه با اشاره به انتشار اخبار و شایعاتی در مورد عفو حمید بقایب و اسفندیار رحیم مشایی، اظهار کرد: هیچ عفو‌ای در مورد این دو محکوم قضائیی صورت نگرفته‌است و تا تکلیف در برابر مقررات و قانون به این افراد تمدین پیش مرخصی داده شده‌است. اما به‌توجه به گواهی معتبر پزشکی و شرایط جسمانی بقایب و مشایی، مرخصی آن‌ها به دلیل ادامه داشتن روند در مان تمدید شده‌است.

### نامه ۲۲۰ نماینده

کریمی قدوسی در توئییتی از امضای نامه دعوت آیت‌الله ریسی برای شرکت در انتخابات توسط ۲۲۰ نماینده مجلس خبر داد.

### کاندیداتوری بادامچیان

بادامچیان دبیرکل حزب مو تلفة اسلامی برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری اعلام کاندیداتوری کرد پیشتر دبیر کل حزب مو تلفة اسلامی گفته بود: اگر ریئسی برای انتخابات حاضر شود و وحدت جمعی حول محور ایشان حفظ خواهد شد و حزب مو تلفة تم می‌خود رای به ایشان عرضه می‌کند. اکنون با اعلام کاندیداتوری بادامچیان و تا توجه به حمایت همه جانبه حزب مو تلفة از ریئسی این کاندیداتوری به معنای نیامدن ریئسی هست یا مو تلفة تر فند انتخاباتی زده‌است؟

### وزیر بهداشت

وزیر بهداشت تاکید کرد که قصدی برای ورود به انتخابات ریاست جمهوری ندارد. کمکی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با اشاره به انتخابات ریاست جمهوری گفت: من قصد ندارم کاندیدای ریاست جمهوری بشوم و حتی برای وزارت بهداشت هم با اکراه آمدم و اگر حمایت‌های رهبر معظم انقلاب نبود ما به این نقطه موفقیت آمیز برای مقابله با کرونا نمی‌رسیدیم. وی در ادامه همچنین در مورد خبر استیضاح تصریح کرد ما گاهی کنج‌ها را از پشت می‌خوریم که من نمی‌دانسم بعضی از این افراد دنبال چه می‌گردند، اما این ناجوان مردی در تاریخ کشور ثبت خواهد شد.

### خیلی جدی نبود

دبیر کل حزب پیشرو اصلاحات خاطر نشان کرد: اگر یک شخصیتی مانند آقای خاتمی دوباره اعلام کاندیداتوری می‌کردند، آن وقت قضیه متفاوت می‌شد و قطعاً همه اصلاح‌طلبان ایشان را فارغ از این سباز و کار تشکیلاتی که برای انتخابات معرفی می‌کردند. وی ادامه داد: حتی کاندیداتوری آقای سیدحسن خمینی هم بر زبان‌ها افتاده بود که البته خیلی جدی نبود و در نهایت هم ایشان با توصیه مقام معظم رهبری کنار کشیدند. بنابراین علت اینکه اصلاح‌طلبان نتوانستند نامزد انتخاباتی خاصی را معرفی کنند این است که شخصیتی که بتواند در بین همه کاندیداها اجماع ساز باشد، تا امروز مطرح نشده‌است.

### واکنش جهانگیری

معاون اول رئیس جمهوری در واکنش به افزایش حمله‌های سیاسی علیه تیم مذاکره کننده و وزیر امور خارجه، تاکید کرد: حمله به تیم مذاکره کننده و دکتر ظریف در شرایطی که در حال مذاکراتی تا بین حد حساس هستیم، مثال شلیک به پای خود است. اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری در حساب کاربری خود در توئیتر نوشت: «حمله به تیم مذاکره کننده و دکتر ظریف در شرایطی که در حال مذاکراتی تا بین حد حساس هستیم، مثال شلیک به پای خود است. رقابت انتخاباتی به هر قیمتی سیاست نیست، به مصالح ملی ایران فکر کنید و صبور باشید.»

# بیست و سومین سال انتشار اقتصاد کیش

